

فصلنامه تاریخ اسلام

سال هشتم، زمستان ۱۳۸۶، شماره مسلسل ۳۲،

مقتل نگاری شیعیان (از آغاز تا پایان قرن پنجم هجری)

محمدجواد یآوری*

تأکید قرآن بر توجه به تاریخ و عبرت آموزی از آن سبب توجه مسلمانان به علم تاریخ و تاریخ نگاری گردید. تاریخ نگاری اسلامی در آغازین مرحله خود با سیره نگاری رونق گرفت. شیعیان نیز با وجود همه موانع، سعی خود را به کار بسته و علاوه بر نگارش سیره، در دیگر گونه های تاریخ نگاری از جمله مقتل-نگاری نیز تلاش کردند و آثار با ارزشی را به وجود آوردند. کتاب های مقتل-نگاری شیعیان، بیشتر بیان شرح حال شهادت امامان معصوم و شخصیت-های برجسته شیعه از جمله حجر بن عدی است. این نوشتار تلاش دارد تا با مراجعه به منابع فهرست نویسی شیعیان از جمله نجاشی، شیخ طوسی و دیگران به گردآوری و بیان شرح حال و شخصیت مقتل نگاران شیعه از آغاز تا پایان قرن پنجم هجری بپردازد.

کلید واژگان: شیعیان، تاریخ، تاریخ نگاری، مقتل نگاری.

* دانش آموخته حوزه علمیه قم و دانشجوی ارشد تاریخ تشیع

سیر تاریخ نگاری شیعه

توجه و تأکید قرآن کریم بر تاریخ و قصص تاریخی و سفارش به عبرت آموزی از آنها، عاملی شد که مسلمانان به حفظ و تدوین سیره پیامبر برای الگو گرفتن از آن بپردازند. سیره‌نگاری نیز زمینه توجه مسلمانان به علم تاریخ را فراهم ساخت و مورخان از اهل سنت و شیعه موضوعات جدید تاریخی را دست مایه پژوهش و امعان نظر خود قرار دادند. یکی از گونه‌های اصلی تاریخ نگاری مسلمانان مقتل نگاری است. به ویژه با عنایت به نحوه شهادت بعضی از امامان شیعه، این گرایش از تاریخ‌نگاری در میان شیعیان مورد توجه خاص قرار گرفت.

در دوره پیدایی تاریخ نگاری اسلامی، شیعیان به موازات اهل سنت، تاریخ نگاری را با رویکرد خاص خود آغاز کردند. موضوعات گوناگون سیره نبوی، جنگ‌های پیامبر، مقاتل، وقایع عصر ائمه (علیهم السلام) و نیز تاریخ تحولات عراق و مدینه از موضوعاتی بود که شیعیان به آنها علاقه‌مند بودند و به هیچ روی خود را جدای از آن تحولات نمی‌دیدند. در این میان، جنبش‌های شیعی یا متمایل به تشیع و یا حتی مخالف دولت اموی برای شیعیان مهم تر بود، زیرا آنها شاهد بودند که به هر روی سیره نبوی نگارش می‌یابد، اما اخبار علویان و جنبش‌های شیعی از میان می‌رود یا تحریف می‌شود. از سوی دیگر، موضوعاتی نظیر تاریخ خلفا نمی‌توانست توجه شیعیان را به خود جلب کند؛ زیرا شیعه پیوندی میان تاریخ خود و تاریخ آنها نمی‌دید.^۱ با وجود همه مشکلات و موانع بر سر راه تاریخ نگاری شیعه، تلاش محققان شیعه به ثمر نشست و تاریخ پر از ظلم علیه شیعیان به ثبت رسید و به نسل‌های بعد منتقل گردید.

اولین رگه‌های تدوین و نگارش تاریخ توسط شیعیان در قالب سیره، تک نگاری (مقتل و وقایع نگاری) و ... شکل گرفت؛ از برجسته‌ترین مورخان شیعه در عصر ائمه اطهار می‌توان از ابان بن عثمان بجلی یاد کرد. وی کتاب با ارزشی در اخبار انبیا و نیز سیره رسول خدا نوشت که متأسفانه تنها بخشی از آن بر جای مانده است.^۲

موانع تاریخ نگاری شیعی

تاریخ و تاریخ نگاری با عنایت به اهمیتی که در اسلام دارد، مورد توجه خاص ائمه اطهار (علیهم السلام) و شیعیان بوده است. امام علی در نامه‌ای به امام حسن بر توجه به تاریخ و درس آموزی تأکید کرده و می‌فرماید:

ای پسر من اگر چه به اندازه پیشینیان زندگی نکرده‌ام، اما با نظر به اعمال آنها و تفکر در تاریخ و سیر در آثار باقی مانده از آنها، گویی یکی از آنها

هستم.^۳

با وجود تأکید اسلام و ائمه (علیهم السلام) به مطالعه تاریخ، ادعا می‌شود که شیعیان نسبت به دیگر مسلمانان اقبال کمتری به تاریخ داشته‌اند؛ اما با امعان نظر در تاریخ نگاری اسلامی و شیعی، روشن می‌شود که شیعیان به این امر بی‌توجه نبوده‌اند و دلیل آن هم آثار مفید و ارزشمندی است که در زمینه تاریخ از خود به جای گذاشته‌اند.^۴ لیکن پر کار نبودن آنها در حوزه تاریخ نگاری، در آغاز کار دلایل مختلفی دارد. اولاً، بخشی از محتویات تاریخ عبارت است از بیان و نقل حق و باطل و معرفی پیروان هر یک از آنها، که با عنایت به اوضاع سیاسی پس از رحلت پیامبر که حتی تا مدتی نگارش و بیان سنت پیامبر هم ممنوع بود، امکان بیان حقایق، کمتر وجود داشت؛ زیرا طرفداران حق، به خصوص شیعیان، تحت انواع فشارهای سیاسی، نظامی و تبلیغاتی قرار داشتند و در برخی موارد شیعیان برای حفظ جان و مال خود مجبور به تقیه می‌شدند و عقاید خود را پنهان نگه می‌داشتند؛ برای مثال خالد بن عبدالله قسری از ابن شهاب زهری درخواست تدوین سیره کرد. ابن شهاب در پاسخ وی گفت: «احیاناً در لابه‌لای سیره از علی سخن به میان می‌آید. آیا با وجود این می‌توانم به این کار بپردازم؟» خالد بن عبدالله گفت: «اگر ذکر نام او با آمیزه‌ای از تنقیص و خرده گیری باشد، مانعی ندارد».^۵

همچنین در گزارش دیگری آمده است: «نصر بن علی جهضمی به علت نقل یک روایت در فضیلت علی و فاطمه و حسنین (علیهم السلام) از طرف متوکل عباسی محکوم به هزار

ضربه شلاق شد».^۶

این گونه گزارش‌ها حاکی از اوج فشارهای حاکمان اموی و عباسی بر روند نگارش تاریخ تشیع و امامان شیعه حتی از سوی اهل سنت است تا چه رسد به تاریخ‌نگاری شیعیان.

با همه موانع و مشکلات پیش‌روی شیعیان در نگارش تاریخ شیعه و امامان معصوم (علیهم السلام)، شیعیان گونه‌های مختلف و بی‌نظیری از تاریخ‌نگاری را خلق کردند از جمله:

سیره نویسی؛^۷ تاریخ دودمانی؛^۸ تک‌نگاری؛^۹ مقتل نویسی، فتن و حروب؛^{۱۰} تاریخ عمومی^{۱۱} و ...

تک‌نگاری در وقایع مهم تاریخی

تک‌نگاری حادثه‌ها، یک گونه از نوشته‌های تاریخی است که مسلمانان در ثبت وقایع مهم از آن بهره جسته‌اند. چنین نوشته‌هایی اغلب درباره روزهای پر حادثه و سرنوشت‌ساز مسلمانان بود. تک‌نگاری از این جهت شباهتی با ایام العرب دارد. نظم موجود در این تک‌نگاری‌ها بر اساس حوادثی است که منجر به یک واقعه مهم شده است، به طوری که در شکل بیان حادثه، تنها ترتیب داخلی تحولات ریز آن حادثه رعایت می‌شود.^{۱۲}

در قرون نخستین اسلامی تک‌نگاری‌های تاریخی در میان شیعه^{۱۳} و سنی رواج داشت. البته این گونه از تاریخ‌نگاری منحصر به ثبت حوادث نظامی و سیاسی نبود بلکه آنچه از موضوعات اجتماعی و مذهبی را که می‌توانست از زاویه تاریخی مورد علاقه مورخ قرار گیرد، شامل می‌شد، همانند کتاب *المعمرین* که برای شناساندن کسانی که عمر طولانی کرده‌اند نگارش یافت.

در تک‌نگاری، قالب‌های مختلفی وجود دارد. یکی از تلاش‌های جدی مورخان در تدوین تک‌نگاری، مقتل نویسی است.

مقتل نگاری

در بررسی تاریخ تشیع، آنچه روشن است ظلم و ستم و فشارهای سیاسی حاکمان اموی و عباسی بر شیعیان است. شروع این فشارها از زمان رحلت پیامبر بود که به شهادت بانوی دو عالم فاطمه زهرا (سلام الله علیها) منجر گردید. محرومیت‌ها و رنج‌های ۲۵ ساله امام علی که خاری در چشم و استخوانی در گلو داشت و نیز تبعید و شهادت افرادی مثل ابوذر، نمونه‌هایی از این فشارها بود. اوج این مصیبت‌ها بعد از شهادت امام علی اتفاق افتاد. معاویه به محض صلح با امام حسن و به دست گرفتن قدرت، به تعقیب شیعیان پرداخت. از جمله جنایات معاویه در این زمان شهادت مظلومانه حجر بن عدی و یارانش بود. بعد از معاویه نیز روش خصومت علیه شیعیان و علویان ادامه یافت، تا آن که در محرم سال ۶۱ حادثه کربلا به وجود آمد و بزرگترین مصیبت را بر خاندان پیامبر و شیعیان وارد کرد. بعد از شهادت امام حسین سرکوبی شیعیان شدت بیشتری پیدا کرد و دوره خلافت مروانین دوره اوج خفقان بود به گونه‌ای که برای اولین بار در تاریخ اسلام، بر دهان آزادی خواهانی چون میثم تمار، لگام زدند. جنایت علیه شیعه مخصوص بنی امیه نبود؛ بنی عباس هم که با شعار «الرّضا من آل محمّد» روی کار آمدند به گونه‌ای بدتر عمل می کردند.

مقتل نگاری شیعیان بازگو کننده تاریخ سرخ و خونین شیعه است که علما و مورخان شیعه برای پاسداشت بخشی از تاریخ شیعیان نگاشته‌اند.

در آغازین مرحله از نگارش تاریخ شیعه، اندیشمندان شیعه کتاب‌هایی با عنوان مقتل نگاری و عمدتاً درباره شهادت امام علی تألیف کردند. بعد از شهادت امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) مقتل نگاری رونق بیشتری یافت. بیشتر کتاب‌های نوشته شده تحت عنوان «مقتل الحسین» امروزه فقط یا نامی از آنها در فهرست نگاری‌ها باقی است و یا بخشی از آنها به صورت پراکنده در متون متأخر نقل شده است.

نکته قابل توجه در خصوص شیوه بحث در این مقاله این است که مقتل نگاری شیعیان از آغاز تدوین و نگارش، بر اساس تاریخ حیات و وفات آنها به همراه شرح

مختصری از زندگی این نویسندگان و وضعیت فعلی آثار آنان در منابع رجالی و فهرست نگاری ارائه شده است.

مقتل نگاران شیعه

۱. اصبع بن نباته (زنده در زمان امیر المؤمنین علی)

ابوالقاسم «اصبع بن نباته المجاشعی التمیمی الحنظلی» از اصحاب خاص امام علی بود و بسیاری از روایات خویش را از آن حضرت نقل کرده است. از جمله روایت‌های نقل شده از وی، عهدنامه مالک اشتر نخعی و وصیت نامه آن حضرت به محمدبن حنفیه است.^{۱۴}

اصبع بن نباته در جنگ‌های جمل و صفین در کنار حضرت علی حضور داشت و به علت تقوا و اعتمادی که امام به او داشت، او را «شرطة الخمیس» قرار داده بود.^{۱۵}

او به ثبت و ضبط تاریخ شیعه نیز همت گماشت. از او در زمینه تک نگاری، کتاب *مقتل ابی عبدالله الحسین* نقل شده، که اکنون تنها روایاتی از آن در برخی منابع تاریخی باقی مانده است. مشهور است که *مقتل الحسین* ابن نباته کهن‌ترین مقاتل است. آقا بزرگ طهرانی در *الذریعه* درباره *مقتل الحسین* اصبع بن نباته می‌نویسد:

«اقول و الظاهر انه اول من كتب مقتل الحسين و كتابه اسبق كتب

المقاتل»؛^{۱۶} به نظر من چنین برمی‌آید اولین کسی که به نگارش کتاب *مقتل*

الحسین اقدام کرد اصبع بن نباته است و کتابش از دیگر کتب *مقتل* قدیمی تر است.

شیخ طوسی نیز در *الفهرست*، کتاب *مقتل الحسین بن علی* را از آثار وی می‌داند.^{۱۷}

براساس گزارش شیخ صدوق، اصبع بن نباته شهادت امام حسین را درک کرده^{۱۸} اما نکته قابل تأمل این که در گزارش‌های تاریخی، هیچ خبری درباره واقعه عاشورا از او نقل نشده است، از این رو آنچه صحیح به نظر می‌رسد آن است که قاسم فرزند اصبع که

راوی برخی از اخبار واقعه عاشورا است، دارای کتاب مقتلی بوده است^{۲۹}، چنان که طبری،^{۳۰} ابوالفرج اصفهانی،^{۳۱} شیخ صدوق^{۳۲} و سبط بن جوزی،^{۳۳} اخباری را به یک یا چند واسطه از قاسم نقل می کنند.

درباره تاریخ تولد و وفات اصبع بن نباته، منابع رجالی زمان دقیقی را ثبت نکرده اند. نجاشی درباره وی چنین می گوید: «بعد از امام علی در قید حیات بوده است».^{۳۴} اما مؤلف الذریعه تاریخ وفات او را بعد از صد سال می داند.^{۳۵}

۲. جابر بن یزید الجعفی (وفات حدود ۱۲۸ هـ)

جابر یکی از بزرگان کوفه بود. وی مورخ، مفسر و از نخستین مؤلفان تک نگاری های متعدد شیعه بوده که شیخ طوسی^{۳۶} و نجاشی^{۳۷} وی را در زمره اصحاب امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) می دانند. شیخ مفید نیز او را از یاران صادقین دانسته و معتقد است هیچ گونه طعن و ذمی درباره او پذیرفتنی نیست.^{۳۸} اما نجاشی او را توثیق نکرده و به ذکر تضعیف دیگران درباره وی پرداخته است.^{۳۹}

رجالیون اهل سنت نیز علاوه بر معرفی وی به عنوان راوی شیعه مذهب، او را تضعیف کرده و از او با تعبیر «احد العلماء الشیعه، رافضی»^{۴۰} و «یعتقد بالرجعه...» یاد کرده اند. اما با این وصف، اهل سنت تعداد زیادی از روایت های جابر را نقل کرده و به او اطمینان دارند. به نظر می رسد یکی از دلایل تضعیف جابر نزد رجالیون سنی، تشیع و اعتقاد او به اصل شیعی رجعت است.

با این اوصاف، جابر از بزرگان و اصحاب ائمه بوده و جای هیچ گونه تردیدی درباره شخصیت وی وجود ندارد. و امام صادق درباره جابر می گوید: «رحمت خدا بر جابر که بر ما راست می گوید و لعنت خدا بر مغیره بن سعید که بر ما کذب می گوید».^{۴۱}

جابر در زمینه فقه، تفسیر، تاریخ و معارف اسلامی صاحب تألیفاتی است. او درباره تاریخ، به ویژه مقتل نگاری، کتاب های ذیل را نگاشته است:^{۴۲}

کتاب الجمل؛ کتاب صفین؛ کتاب نهروان؛ کتاب مقتل امیرالمؤمنین ؛ کتاب مقتل

ابی عبدالله الحسین ؛

روایت‌های بسیاری از جابر در منابع روایی و تاریخی از جمله در کتاب *وقعة الصنین* نصر بن مزاحم و همچنین کتاب *تاریخ طبری* باقی مانده است. اما اثر ارزشمند وی با نام *مقتل الحسین* اکنون موجود نیست. تاریخ وفات او را سال‌های ۱۲۷، ۱۲۸ و ۱۲۹ هجری گزارش کرده‌اند.

۳. *جعفر بن عفان طائی* (وفات ۱۵۰ هـ).

جعفر بن عفان از مرثیه سرایان و شاعران بنام شیعه است که توفیق مرثیه سرایی در محضر امام صادق را یافته بود. گفته می‌شود کتاب وی به نام *المراثی* در دویست ورقه بوده است.^{۳۳} این اثر نیز اکنون در دسترس نیست.

۴. *ابو مخنف لوط بن یحیی بن سعید بن سالم الازدی الغامدی* (وفات ۱۵۷ هـ).

لوط بن یحیی از آخرین تاریخ نگاران عصر اموی بود. او عمدتاً درباره تحولات تاریخی این دوره به تألیف تک نگاری‌هایی همت گماشت که تاریخ نگاران بعدی از آنها بهره برده‌اند. به گفته ولهازن:

ابو مخنف با علاقه خاص و به تفصیل، موضوعات مربوط به خوارج و قیام

های شیعه و شورش عراقیان را مورد بررسی قرار می‌دهد و بیشتر، روایت‌های

کوفی را نقل می‌کند. همدلی او معطوف به عراق و علی است.^{۳۴}

ابو مخنف، بنا بر گفته نجاشی، «بزرگ مورخان کوفه بوده است».^{۳۵}

شیخ طوسی در *الفهرست* بعد از معرفی شخصیت ابو مخنف، یحیی پدر او را از اصحاب

امام حسن و حسین می‌داند.^{۳۶} بنا بر گفته نویسنده *قاموس الرجال*، یحیی بن سلیم از

طرف امیر المؤمنین والی همدان تا اصفهان بوده که امام علی با ارسال نامه ای او

را به شرکت در جنگ صفین فرا خواند.^{۳۷}

استاد یوسفی غروی در مقدمه کتاب *وقعة الطف لابی مخنف*، درباره شخصیت ابی

مخنف می نویسد:

«انه لم یکن شیعیاً و من صحابة الائمة بالمعنى المصطلح الشيعى الامامى، الذى يعبر عنه العامه بالرافضى، و إنما كان شیعياً فى الرأى و الهوى كأكثر الكوفيين»؛ او از جمله شیعیان و اصحاب ائمه به معنای مصطلح و معروف در نزد شیعه امامی که اهل سنت از آن به رافضی تعبیر می کنند، نیست بلکه به درستی او در نظر و گرایش شیعه بود همانند اکثر کوفیان...^{۳۸}

اما تعبیراتی که رجالیون سنی درباره ابومخنف به کار برده اند، بر تشیع او دلالت می کند:

«ابو مخنف لوط بن یحیی اخباری شیعی تالف، متروک»؛^{۳۹} ابومخنف لوط بن

یحیی از مورخان شیعه بوده که تألیفاتی دارد، اما روایات وی را معتبر نمی دانند.

نجاشی و شیخ طوسی اگر چه درباره امامی بودن وی سکوت کرده اند، اما او را در زمره مصنفین شیعی در آثار خود ذکر کرده اند؛ زیرا اصل تألیف کتاب نجاشی برای ذکر شیعیان امامی است و اگر از غیر امامی ها نام ببرد، تذکراتی مثل فساد مذهب و... را می دهد؛ بنابراین نجاشی در مورد وی می گوید: «و کان یسکن الی ما یرویه روی عن جعفر بن محمد^{۴۰}». سکوت نجاشی می تواند مؤیدی برای شیعه بودن ابومخنف باشد. در مجموع به نظر می رسد که تشیع او همانند دیگر شیعیان عراق و کوفه، اعتقادی نبوده است، اما او را جزو شیعیان محبتی قرار داده اند، زیرا علاقه مند به ثبت و ضبط اخبار ائمه هدی (علیها السلام) بود.

تألیفات ابومخنف

از ابومخنف ۲۹ اثر ذکر کرده شده که در ذیل به برخی از آنها اشاره می شود:

کتاب المغازی؛ کتاب السقیفه؛ کتاب مقتل عثمان؛ کتاب الجمل وصفین؛ کتاب مقتل

الحسن بن علی؛ کتاب مقتل امیر المؤمنین؛ کتاب قتل حجر بن عدی؛ کتاب قتل

محمد؛ کتاب اخبار مختار؛ مقتل عبدالله بن زبیر؛ مقتل ابن اشعث؛ مقتل محمد بن ابی بکر؛ کتاب دیگری که به وی نسبت داده اند مقتل ابی عبدالله الحسین^{۴۱} است.

نسخه‌هایی که اکنون در کتابخانه‌های جهان از مقتل ابی عبدالله الحسین وجود دارد و به نام‌های اخبار مقتل الحسین یا مصراع الحسین نیز نامیده شده، با روایت طبری از ابو مخنف در همین موضوع متفاوت است. از این رو برخی از محققان این اثر را مجعول دانسته‌اند. این تردید در صحت انتساب و اوصاف کتاب باعث شد تا کسانی منقولات طبری از ابو مخنف درباره واقعه کربلا را استخراج و کتابی با عنوان مقتل الحسین را منتشر کنند.^{۴۲}

تستری در قاموس الرجال در بیان شرح حال ابو مخنف می‌گوید:

«کتابه فی مقتل الحسین - یروی عنه الطبری^{۴۳} و ابو الفرج - اصح مقتل فانه یروی الوقائع غالباً بواسطه واحده»؛^{۴۴} کتاب ابو مخنف درباره مقتل الحسین است - که طبری و ابوالفرج اصفهانی از این کتاب نقل روایت کرده‌اند. این کتاب صحیح‌ترین کتاب مقتل است، زیرا او روایت‌های عاشورا را غالباً با یک نفر واسطه نقل می‌کند.

مقتل الحسین^{۴۵} شامل روایات مفصلی درباره واقعه کربلا و همچنین زمینه‌های پیدایش آن تا حرکت امام حسین از مدینه، فعالیت شیعیان در کوفه و مقابله عیدالله بن زیاد، جنگ سپاه شام با امام در سرزمین کربلا و پس از آن قیام کوفیان به خونخواهی او می‌باشد.

در پایان چاپ اخیر این کتاب فهرستی از شیوخ و راویان ابو مخنف با بعضی توضیحات تهیه و عرضه شده است.

ابو مخنف در سال ۱۵۷ هـ. در شهر کوفه درگذشت.

۵. ابومنذر هشام بن محمد بن السائب بن بشر بن زید بن عمرو بن الحارث (وفات ۵۲۰هـ).

هشام بن محمد، مورخ و نساب و عالم به اخبار و سرگذشت و مثالب و وقایع عرب بود. او این دانایی‌ها را پیش پدرش و گروهی از راویان عرب فرا گرفت.^{۴۶}
نجاشی درباره وی می‌نویسد:

«الناسب، العالم بالایام، المشهور بالفضل و العلم و كان یختص بمذهبن؛ او

نسب دان، عالم به علم ایام، مشهور به فضل و علم و از پیروان مذهب شیعه است.

هشام بن محمد از اصحاب امام صادق بود و حدیث مشهور او را نجاشی چنین نقل می‌کند:

«اعتلت علة عظيمة نسيت علمی فجاست الی جعفر بن محمد فسقانی

العلم فی كأس فعاد الی علمی»؛ به مرض شدیدی دچار شدم و تمام علمم را

فراموش کردم. خدمت امام صادق نشستیم، آن حضرت علم را در کاسه ای به

من نوشانید پس علم من بازگشت.^{۴۷}

هشام علاوه بر آن که راوی مقتل ابی مخنف است،^{۴۸} در تاریخ اسلام و به ویژه در تاریخ تشیع و نیز علوم دیگر دارای آثار با ارزشی است. این آثار به بیش از ۱۳۵ اثر می‌رسد. بخشی از کتاب‌های تاریخی وی، به «مقتل نگاری» اختصاص دارد.^{۴۹} از جمله:

کتاب مقتل امیر المؤمنین؛ کتاب حجر بن عدی؛ کتاب مقتل رشید و میثم و جویریة

بن مسهر؛ کتاب مقتل الحسین؛ کتاب قیام الحسین؛ کتاب مقتل عثمان؛

از آثار فوق، کتاب مقتل الحسین اکنون در دسترس مورخان قرار ندارد.

تاریخ وفات هشام را سال‌های ۲۰۴ و ۲۰۵ و ۲۰۶ هـ. ذکر کرده‌اند.

۶. ابوالفضل نصر بن مزاحم بن سیار المنقری التمیمی الکوفی (وفات ۲۱۲هـ).

نصر بن مزاحم منقری کوفی نیز در زمینه تاریخ به ویژه تاریخ تشیع آثار ارزشمندی از خود به یادگار گذاشته است که بارزترین آنها کتاب وقعة الصفین است.

نجاشی در مورد او می‌گوید:

«ابوالفضل کوفی مستقیم الطریقه، صالح الامر، غیر انه یروی عن الضعفاء»؛^{۵۰}

ابوالفضل کوفی فردی مستقیم الطریقه (در مذهب تشیع منحرف نبوده) درست

کردار بوده الا اینکه از افراد ضعیف در حدیث روایت نقل کرده است.

به نظر می‌رسد تنها ایراد وی نقل روایت از ضعفاست و نه تشیع وی، زیرا اگر در شیعه بودن وی تردیدی وجود داشت نجاشی به آن اشاره می‌کرد. علاوه بر آن، نقل روایت از ضعفا که نجاشی به آن اشاره می‌کند، نمی‌تواند برای نصر بن مزاحم تضعیف باشد؛ زیرا معمولاً آن دقتی که فقها در اسناد اخبار خویش می‌کردند مورخان چنین دقتی را اعمال نمی‌کردند. اساساً چنین دقت‌هایی در باب تاریخ گاه دشوار است.

ابن ابی الحدید درباره وی چنین می‌گوید: «فهو ثقة ثبت، صحیح النقل، غیر منسوب

الی الهوی».^{۵۱}

نکته قابل توجه در تشیع وی این است که ذهبی در میزان الاعتدال و ابن حجر عسقلانی در لسان المیزان او را سنی نمی‌دانند و از او به رافضی یاد می‌کنند و در ذیل شرح حال نصر بن مزاحم، قول العقیلی درباره تشیع او را تذکر می‌دهند.^{۵۲} بنابراین به نظر می‌رسد اندیشه شیعی وی غلبه داشته که او را به این وصف معرفی کرده اند.

از او نه اثر ثبت شده است که تعدادی از آنها در مقتل است و اکنون موجود نیست. از جمله مقتل نگاری‌های او می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مقتل ابی عبدالله الحسین؛ مقتل حجر بن عدی؛ اخبار مختار^{۵۳}؛

نصر بن مزاحم منقوری در سال ۲۱۲ هـ. در گذشت.

۷. ابواسحاق ابراهیم بن اسحاق الاحمری النهاوندی (حیات ۲۶۹ هـ.)

در رجال نجاشی و فهرست شیخ طوسی، سه کتاب تاریخی به ابو اسحاق نسبت داده

شده است که عبارتند از:^{۵۴}

کتاب مقتل ابی عبدالله الحسین^{۵۵}؛ نفی ابوذر؛ کتاب الغیبه.

ابواسحاق از علما و راویان بزرگ و صاحب تألیفات متعدد در فقه، تاریخ، نوادر و غیره است. بسیاری از بزرگان شیعه مثل محمد بن حسن صفار و احمد بن محمد بن عیسی قمی از او حدیث نقل کرده اند.^{۵۶}

نجاشی و شیخ طوسی او را تضعیف کرده اند. شیخ طوسی درباره وی می گوید:
«ابراهیم بن اسحاق الاحمری النهاوندی، کان ضعیفاً فی حدیثه، متهماً فی دینه و صنف کتباً قریبه من السداد»^{۵۷} ابراهیم بن اسحاق الاحمری النهاوندی در نقل حدیث مورد اطمینان نبوده و در دینداری متهم بوده اما کتابهای زیادی را نوشته که خالی از استحکام نیست.

در این عبارت با وجود تضعیف او، کتاب هایش نزدیک به صحت قلمداد شده اند. درباره شخصیت ابواسحاق باید گفت که در منابع رجالی وی فردی ضعیف و متهم در دین معرفی شده، اما کتابهایی به او نسبت داده شده که به تصریح نجاشی و شیخ طوسی از استحکام و اتقان برخوردار است. از این رو بعضی تضعیف نهاوندی را دور از واقعیت و دلیل ضعف او را کثرت روایات صادره از او، که نزد دیگران استفاده غلو آمیز از آنها می شود، قلمداد نمایند. اما به گفته عده ای دیگر حقیقت این است که روایات مذکور قابل تأویل بوده و معنای درستی دارند. این گروه شواهد بسیاری بر استواری شخصیت ابواسحاق و صحت روایات او ارائه می دهند.^{۵۸}

نکته قابل توجه آن که نام احمری نهاوندی مشترک بین دو نفر است. شیخ طوسی در الفهرست پس از تضعیف نهاوندی، فرد دیگری با همین نام را در رجال خود توثیق کرده و او را از اصحاب امام هادی بر شمرده است.^{۵۹} بیشتر علمای رجال نیز قائل به تعدد این شخصیت هستند، زیرا از نهاوندی ثقه، محمد بن خالد برقی روایت نقل می کند. پس به نظر می رسد که کتابهایی که وی نوشته و روایت های او در برخی از آثارش همچون نفی (تبعید) ابوذر، حاکی از تشیع و نشان از سلامت اعتقاد اوست.

درباره وفات او تاریخ مشخصی در کتب رجالی ذکر نشده است. تنها نجاشی در ضمن نقل روایتی می‌گوید: «راوی، این روایت را در سال ۲۶۹ از ابراهیم بن اسحاق شنیده است».^{۶۰} این سخن بر حیات او تا این تاریخ دلالت می‌کند.

۸. ابوالفضل سلمة بن الخطاب البراوستانی ازدورقانی (م ۲۵۰)

ابوالفضل سلمة بن الخطاب از فقیهان و محدثان شیعه در سده سوم هجری است. او منسوب به براوستان از روستاهای قدیم ری است.

نجاشی علاوه بر ذکر نام او در فهرست دانشمندان شیعه، درباره وی می‌گوید: «کان ضعیفاً فی حدیثه».^{۶۱}

او در فقه و معارف کتب زیادی داشته است، اما در تاریخ دو کتاب از او نقل شده است که عبارتند از:

وفات النبی؛ کتاب مولدالحسین و مقتله.

اگرچه شیخ طوسی از کتاب اخیر با نام *مقتل الحسین* یاد کرده است،^{۶۲} اما این اثر اکنون موجود نیست.

درباره وفات او در تراجم ذکری به میان نیامده است؛ ولی با توجه به اشخاصی که از او روایت نقل کرده اند، باید وفات او در نیمه دوم قرن سوم یعنی حدود سال ۲۵۰ ه. باشد.

۹. ابراهیم بن محمد بن سعید هلالی الثقفی (۲۸۳ ه.)

هلالی ثقفی، اهل کوفه بود و مدتی هم در اصفهان سکونت داشت. او در آغاز زیدی مذهب بود اما پس از مدتی به عقیده شیعه دوازده امامی روی آورد.^{۶۳}

ابی اسحاق ابراهیم الثقفی و هو من ولد عم المختار بن ابی عبیده الثقفی و

کان یسکن باصفهان و سألوه الانتقال الی قم.

سبب انتقال وی از کوفه به اصفهان تألیف کتابی با نام *المعرفة در مناقب اهل بیت و مثالب سلف* بود. بزرگان کوفه وی را از نشر این کتاب منع کردند؛ اما او بر خلاف سنت

تقیه سوگند یاد کرد این کتاب را در بین دشمنان اهل بیت انتشار دهد.^{۶۴}
 او دارای آثار زیادی است، اما اکنون معروفترین اثر موجود از او کتاب *الغارات* است.
 برخی از آثار تاریخی وی عبارتند از:

«کتاب المبتداء، سیره، اخبار المختار، مغازی، سقیفه، جمل، صفین، مقتل

امیرالمؤمنین و کتاب مقتل الحسین».^{۶۵}

نجاشی درباره تاریخ وفات او می گوید: «ابراهیم بن محمد الثقفی در سال ۲۸۳ وفات یافت».^{۶۶}

۱۰. ابو عبدالله محمد بن علی بن حمزه بن الحسن بن عبیدالله بن العباس بن علی بن ابی طالب (وفات ۲۸۲ هـ).

محمد بن علی از اصحاب امام هادی و امام عسکری (علیهما السلام) بوده و از آنها روایت نقل کرده است. او مورخ، محدث و شاعر بوده است.
 نجاشی درباره وی می گوید:

«ثقة، عین فی الحدیث، صحیح الاعتقاد... و فی داره حصلت ام صاحب

الامر بعد وفاة الحسن»؛^{۶۷} او ثقة و از نظر اعتقادی فردی سالم است...

مادر امام عصر (عج) بعد از وفات امام عسکری در خانه او زندگی می کرده است.

کتابی به نام *مقاتل الطالبیین* در زمینه تاریخ و مقتل نگاری به او منسوب است. این کتاب از منابع و مصادر مهم کتاب *مقاتل الطالبیین* ابوالفرج اصفهانی بوده است.^{۶۸}
 او در سال ۲۸۷ هـ. وفات یافت.

۱۱. احمد ابن اسحاق ابی یعقوب، ابن واضح یعقوبی (وفات ۲۹۲ یا ۲۹۴ هـ).

یعقوبی مورخ نامدار اسلام و صاحب آثار با ارزشی چون *تاریخ یعقوبی* است. او به غیر از تاریخ و جغرافیا، در علم نجوم، شعر و ادبیات نیز دستی داشته است.^{۶۹}

در تاریخ وی، بارها به مطالبی درباره امام علی، روز غدیر، شأن نزول آیه «الیوم اکملت لکم دینکم» و ذکر داستان هجوم به خانه حضرت زهرا (سلام الله علیها) بر می‌خوریم که به خوبی از نگرش شیعی وی حکایت دارد.^{۷۰}

یعقوبی دارای آثار برجسته ای بوده که برخی از آنها مفقود شده و بعضی نیز وجود دارد که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- *البلدان*. این کتاب با همین نام چاپ و منتشر شده است؛

۲- *تاریخ*. این اثر نیز با نام *تاریخ یعقوبی* مشهور و در چاپ های مختلفی نشر یافته و مشتمل بر تاریخ عمومی است؛

۳- *مقتل ابی عبدالله الحسین*.

آقا بزرگ طهرانی درباره تعلق کتاب *مقتل الحسین* به یعقوبی می‌نویسد:

«مقتل ابی عبدالله الحسین للاخباری الشهیر بابن واضح صاحب تاریخ
الیعقوبی المتوفی بعد سنة ۲۹۴ و ۲۹۲ و هو متأخر عن ابی مخنف صاحب مقتل
ابن اشعث».^{۷۱}

مقتل *ابی عبدالله الحسین* نیز اکنون موجود نیست، اما بخش‌هایی از آن در تاریخ *یعقوبی* در ضمن بیان حرکت و شهادت امام حسین آمده است.

در فهرست نگاری‌ها در بیان فهرست آثار وی چنین نوشته‌ای دیده نمی‌شود. بلکه تنها گزارش وی از *مقتل امام حسین*، در چند صفحه به صورت مختصر است.^{۷۲} به نظر می‌رسد این مطالب *یعقوبی* را طهرانی در *الذریعه* به عنوان کتاب مستقلی فرض کرده است.

۱۲. محمد بن زکریا بن دینار الغلابی - ابو عبدالله صاحب مولی بنی غلاب البصری (وفات ۲۹۸ هـ).

نجاشی او را از بزرگان شیعه و عالم به علم تاریخ دانسته و از او تألیفاتی در این باره

نقل می‌کند.^{۷۳} ابن ندیم در *الفهرست*، او را این گونه معرفی می‌کند: «أحد الرواة للسير... و كان ثقة، صادقاً و له من الكتب، كتاب مقتل الحسين».^{۷۴}

اکثر تألیفات تاریخی محمد بن زکریا در زمینه تاریخ تشیع است. او نیز همانند دیگر مورخان تاریخ شیعه بخشی از نگاهشته های خود را به مقتل اختصاص داده و در این راه برای پاسداری از میراث شیعه تلاش کرده است؛ از جمله آثار تاریخی او عبارتند از: *الجمال و المناهضین الی وقعته؛ وقعته صفتین؛ مقتل امیر المؤمنین؛ مقتل ابی عبدالله الحسین*؛ این کتاب اکنون در دسترس نیست. *اخبار فاطمه و منشأها و مولدها؛ اخبار زید بن علی*.

محمد بن زکریا در سال ۲۹۸ هـ. در شهر بصره وفات یافت.^{۷۵}
 ۱۳. ابوجعفر محمد بن احمد بن یحیی الاشعری القمی (وفات نیمه دوم قرن سوم - به احتمال ۲۹۹ هـ.)

نجاشی و نیز شیخ طوسی نیز در *الفهرست*، از او به بزرگی یاد کرده و می‌گویند: وی محدثی ثقة بود، جز این که از محدثان ضعیف نیز روایت می‌کرد؛ چون وی شخصی سلیم النفس بود اهمیت نمی‌داد که از چه کسی روایت اخذ کند:

«محمد بن احمد کان ثقة فی الحدیث. الا ان اصحابنا قالوا: کان یروی عن الضعفا و یعتمد علی المراسیل و لا یبالی عنمن اخذ و ما علیه فی نفسه مطعن فی شی و کان محمد بن الحسن بن الولید یسئتی من روایة»؛ محمد بن احمد در حدیث ثقة است؛ آلا این که اصحاب ما گفته اند که از ضعفا نقل روایت می‌کند و به روایات مرسله اعتماد می‌کند و در این که از چه کسی روایت نقل می‌کند، مبالات ندارد. خلاصه آن که در نفس خود هیچ عیبی وجود ندارد. بعضی از اصحاب بین روایات او استثناء قائل شده اند.^{۷۶}

ابن ندیم در *الفهرست* او را از راویان و فقیهان شیعه دانسته و سه کتاب او را بر می‌شمارد.^{۷۷}

در ذکر آثار تاریخی وی از سه کتاب به نام‌های *مقتل ابی عبدالله الحسین* و *کتاب الملاحم و کتاب ما نزل القرآن فی الحسین بن علی* یاد شده است.^{۷۸} کتاب *مقتل الحسین* وی اکنون در دست نیست. وفات محمد بن احمد حدود نیمه قرن سوم هجری اتفاق افتاده است.

۱۴. ابواحمد عبدالعزیز بن یحیی بن احمد بن عیسی الجلودی الازدی البصری (وفات ۳۳۲ هـ). جدّ اعلای او، عیسی، از اصحاب امام باقر بوده است و خود او از مورخان برجسته شیعه به حساب می‌آید که بیشترین آثار خود را در این زمینه نگاشته است. آثار جلودی اکنون وجود ندارد و شیعیان نیز به آن آثار توجه نشان نداده‌اند؛ زیرا رنگ و بوی نگارش آثار جلودی بر خلاف دیگر نوشته‌های مورخان شیعه، تاریخی محض است و به کلام توجه نداشته است.

نجاشی درباره وی می‌نویسد: «بزرگ بصره و مورخ آن جا بوده است».^{۷۹} از این بیان نجاشی استفاده می‌شود که او فاسد المذهب نبوده است در غیر اینصورت اگر درباره شخصیت وی مطلب قابل توجهی وجود داشت، آن را ذکر می‌کرد. شیخ طوسی نیز در *الفهرست* از او چنین یاد می‌کند: «از اهالی بصره و امامی مذهب است. کتاب‌هایی در تاریخ، سیره و فقه دارد».^{۸۰}

نجاشی حدود ۷۷ اثر از او نقل می‌کند و می‌گوید: «این همه کتاب‌های جلودی است که من در فهرست‌ها دیده‌ام».^{۸۱} آثار جلودی عمدتاً در سه قالب می‌گنجد: وقایع‌نگاری، تک‌نگاری و شخصیت‌نگاری. از جمله نگارش‌های وی در *مقتل* عبارت است از:

مقتل ابی عبدالله الحسین؛ مقتل امیر المؤمنین؛ فی امر الحسن؛ اخبار مقتل عثمان؛

مقتل محمد بن ابی بکر.

جلودی در سال ۳۳۲ هـ. از دنیا رفت. اثر وی، در مقتل ابی عبدالله موجود نیست.
۱۵. محمد بن یحیی - ابو جعفر العطار القمی

نجاشی درباره وی می گوید:

شیخ اصحابنا فی زمانه، ثقة، عین، کثیر الحدیث، له کتب منها کتاب مقتل
الحسین و کتاب النوادر^{۸۲} محمد بن یحیی از علمای شیعه در زمان خود است.
او ثقة است و احادیث زیادی را نقل کرده و دارای کتاب‌هایی است؛ از جمله آنها
می توان به مقتل الحسین و کتاب نوادر اشاره کرد. کتاب مقتل وی در دسترس
نیست.

۱۶. علی بن الحسین بن محمد بن الهیثم بن عبدالرحمن القرشی معروف به ابوالفرج
اصفهانی (وفات ۳۵۶ هـ.)

شهرت و بزرگی او بیش از آن است که در چند سطر بگنجد. کتاب الاغانی^{۸۳} او دائرة
المعارفی از تاریخ و ادب و فرهنگ است. همین اثر، شهرت او را دو چندان کرده است.
بیشتر علمای علم رجال شیعه، او را زیدی مذهب^{۸۴} دانسته و به دلیل نزدیکی که بین
تشیع زیدی و تشیع اثنی عشری وجود دارد، دانشمندان امامیه نیز او را جزو رجال شیعه
ذکر کرده اند.

مهم‌ترین آثار او دو کتاب معروف است که هر یک در موضوع خود ارزشمند و کم
نظیرند و آنها عبارتند از:

۱- الاغانی؛ ۲- مقاتل الطالبیین؛ ۳- ما نزل من القرآن فی امیر المؤمنین^{۸۵}؛

کتاب مقاتل الطالبیین اکنون موجود است. در این اثر تاریخی به گزارش و جریان
شهادت ائمه (علیهم السلام) و بزرگان شیعه اشاره شده است. تاریخ وفات او را سال ۳۵۶ هـ. ذکر
کرده اند.

۱۷. زیاد تستری

زیاد تستری پیش از شیخ صدوق می‌زیست. شیخ صدوق در مجلس سی ام کتاب *امالی* که سراسر آن مقتل امام حسین است از کتاب او نقل می‌کند.^{۸۶}

صاحب الذریعه درباره زیاد چنین می‌نویسد:

«مقتل ابی عبدالله الحسین، لزیاد التستری ینقل عنه الصدوق فی المجلس

الثلاثین من الامالی»؛^{۸۷} زیاد تستری مقتلی دارد با نام مقتل ابی عبدالله

الحسین که شیخ صدوق در مجلس سی ام کتاب *امالی* خویش از او روایت نقل

کرده است.

۱۸. محمد بن علی بن فضل بن تمام بن سکین (زنده در قرن چهارم هجری)

شیخ نجاشی درباره وی می‌گوید: «و کان ثقة، عیناً، صحیح الاعتقاد، جید التصنیف، له

کتب: منها کتاب الکوفه... و کتاب مقتل الحسین».

وی هم طبقه با شیخ صدوق و ابن غضائری بوده است.^{۸۸}

۱۹. ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی مشهور به شیخ صدوق (وفات ۳۸۱ هـ)

در جلالت شیخ صدوق همین بس که شیخ طوسی او را با واژه‌هایی چون فقیه و عمادالدین وصف کرده است.^{۸۹} شیخ صدوق به عنوان روایت‌گری بزرگ و بسیار راستگو

شناخته شده است. اثر ارزشمند وی به نام *من لا یحضره الفقیه*، از کتب اربعه شیعه، به

اجماع علمای شیعه در شمار روایات صحیح قرار دارد. شیخ صدوق علاوه بر تألیفات

ارزشمند فقهی و روایی، کتابهایی نیز در زمینه تاریخ دارد که عبارتند از:^{۹۰}

اخبار فاطمه؛ کتاب التاریخ؛ اخبار جعفر بن طیار و فضائله؛ اخبار زید بن علی؛ مقتل

ابی عبدالله الحسین .

در میان کتاب‌های شیخ صدوق، آقا بزرگ طهرانی کتابی با نام *مقتل الحسین* را به

او نسبت داده است.^{۹۱} شیخ صدوق در ضمن برخی از آثار خود از این کتاب نام برده و به آن ارجاع داده است؛ برای مثال در فصل حج و باب زیارات کتاب *من لا یحضره الفقیه* می-نویسد: «من در کتاب زیارات و در کتاب *مقتل الحسین* انواعی از زیارت ها را آورده‌ام».^{۹۲}

این مقتل تا قرن ششم هجری موجود بوده و ابن شهر آشوب از آن روایت نقل کرده است.^{۹۳}

این عالم برجسته شیعه در سال ۳۸۲ هـ. دعوت حق را لیبیک گفت.

۲۰. ابو جعفر محمد بن حسن الطوسی معروف به شیخ طوسی (وفات ۴۶۰ هـ.)

شیخ طوسی از علمای برجسته شیعه و از شاگردان شیخ مفید و معاصر نجاشی بوده است. او در زمینه‌های فقه، اصول فقه، کلام، رجال، تراجم و تاریخ آثار با ارزشی را از خود به یادگار گذاشت که شیعه سالیان متمادی از آن آثار بهره برده است. از معروف ترین آثار تاریخی وی، کتاب *الغیبه* درباره امام زمان (عج) است.

نجاشی که معاصر وی بوده در مورد شخصیت شیخ طوسی می گوید:

«جلیل فی اصحابنا، ثقة عین من تلامذه شیخنا ابی عبدالله (شیخ مفید) له کتب

منها: الرجال من روی عن النبی و الائمه (علیها السلام) و الفهرست لکتاب الشیعه و

اسماء المصنفین».^{۹۴}

شیخ طوسی درباره خود در کتاب *الفهرست* می نویسد: «محمد بن الحسن بن علی

الطوسی مصنف هذا الفهرست له عدة كتب منها...».^{۹۵}

اما کتاب های تاریخی وی عبارت است از:

کتاب *الغیبه*؛ کتاب *اختیار معرفة الرجال*؛ کتاب *مقتل ابی عبدالله الحسین* .

در حال حاضر کتاب *مقتل شیخ طوسی* در دسترس مورخان قرار ندارد.

شیخ طوسی در سال ۴۶۰ هـ. بعد از سال ها ارائه خدمات علمی و فرهنگی به شیعیان و

تلاش در تأسیس حوزه علمیه نجف، به لقای حق شتافت.

۲۱. ابو اسحاق ابراهیم بن سلیمان بن عبدالله (عبیدالله) بن حیان النهمی خزاز الکوفی

ابواسحاق از رجال و محدثان شیعه است. چنانچه شیخ طوسی در *الفهرست* درباره وی

می‌گوید: «ثقة فی الحدیث سکن الکوفه».^{۹۶}

در کتب رجال و تراجم غیر از توضیح در مورد نسب او، اطلاعات بیشتری ذکر نگردیده است. صاحب *تنقیح المقال* در مورد وثاقت او اقوال مختلفی را نقل و پس از آن می‌نویسد:

«تضعیف ابن الغضائری، لا یقاوم توثیق هؤلاء و روایتہ عن الضعفاء (ان ثبت)

لا تنافی الوثاقه. و فی الجملة، لا ینبغی التوقف فی وثاقته»؛^{۹۷} تضعیف ابن

عقائری در برابر توفیق دیگران توان برابر را ندارد. و روایت نقل شده وی از

ضعفا اگر ثابت شود با وثاقت وی منافاتی ندارد و در نهایت تردید در وثاقت وی

سزاوار نیست.

با توجه به مطالب فوق، شیعه بودن ایشان روشن است. ابن حجر در مورد او گفته

است: «و قد ذکره ابو جعفر الطوسی فی رجال الشیعه و هو اعلم به».^{۹۸}

در منابع رجالی تاریخی از دوره حیات و وفات وی سخنی به میان نیامده است و لذا نام

این اندیشمند در زمره آخرین مقتل‌نگاران ثبت گردید.

شرح حال نویسان تألیفات تاریخی متعددی را به او نسبت داده‌اند؛ از جمله:

اخبار ذی القرنین؛ کتاب ارم ذات المعاد؛ مقتل امیرالمؤمنین؛^{۹۹} کتاب جزهم.

نتیجه‌گیری

با شهادت امام علی گونه‌ای از تاریخ‌نگاری با عنوان «مقتل‌نگاری» در ثبت

وقایع و نحوه شهادت امام علی و یاران با وفای او همچون حجر بن عدی از سوی

شیعیان رقم خورد. از طرف دیگر ثبت تاریخ خلفا و حاکمان بنی امیه نیز آنها را اقناع نمی-

کرد.

این نوع از تاریخ نگاری، با هدف ثبت وقایع اتفاق افتاده در جنگ‌ها و با محوریت شهادت ائمه اطهار، با شهادت امام حسن و بعد از او امام حسین رونق یافت؛ به گونه‌ای که مورخان اهل سنت نیز علاوه بر نوشتن مقتل خلفا و ائمه (علیهم السلام)، از روایت‌های راویان شیعه در تدوین آثار خود استفاده می‌کردند.

از مجموع مطالب مقاله حاضر، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد:

۱- طبق بررسی آثار فهرست نویسان، اولین مورخ و مقتل نگار شیعه، اصبع بن نباته و یا فرزند او قاسم است.

۲- مقتل نگاران، همگی مورخ نبوده بلکه با توجه به ضرورت ثبت سیره ائمه (علیهم السلام) و ظلم‌هایی که حاکمان بنی امیه و بنی عباس بر آنان روا داشتند، اقدام به نگارش این گونه از تاریخ نگاری کردند.

۳- آثار مقتل نگاری برخی از مورخان، اکنون به صورت مستقل وجود ندارد؛ در واقع جمع‌آوری مطالب نقل شده از این مقتل نگاران در دیگر منابع تاریخی موجود است. برای نمونه مقتل الحسین شیخ صدوق در آثار دیگر شیخ صدوق و مقتل الحسین ابومخنف در تاریخ طبری والارشاد شیخ مفید نقل شده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. رسول جعفریان، *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه* (قم، نشر انصاریان، چاپ چهارم، ۱۳۸۱)، ص ۱۳.
۲. نجاشی، *رجال نجاشی*، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی (قم، جامعه مدرسین، چاپ پنجم، ۱۴۱۶ق) ص ۱۳.
۳. *نهج البلاغه*، ترجمه عبدالحمید آیتی (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۸) نامه ۳۱.
۴. ر. ک: آقا بزرگ طهرانی، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، (بیروت، دارالاضواء، چاپ دوم، [بی‌تا]) و دیگر منابع رجالی و فهرست.
۵. ابو الفرج اصفهانی، *اللاغانی*، (بیروت، داراحیاء التراث العربی، [بی‌تا]) ص ۱۵-۲۲.
۶. خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، (بیروت، دارالکتب العربی، بی تا) ج ۱۳، ص ۲۸۷.
۷. امام سجاد می‌فرماید: «کنا نعلم مغازی رسول الله کما نعلم السوره من القرآن» در پی این سخن، آثاری در این زمینه از سوی شیعیان به وجود آمد. از برجسته ترین مورخان شیعه در عصر ائمه اطهار می توان از ابان بن عثمان بجلی یاد کرد. وی کتاب با ارزشی در اخبار انبیاء و نیز سیره رسول خدا نوشته که متأسفانه تنها بخشی از آن بر جای مانده است. (نجاشی، *پیشین*، ص ۱۳). اثر دیگر، کتاب *مبعث النبی و اخباره* از عبدالله بن میمون القداح است که وی و پدرش راوی اخبار باقرین هستند و نجاشی وی را از ثقات می‌داند. همان، ص ۲۱۳.
۸. در زمینه آثار دودمانی همانند احمد بن اسماعیل بن عبدالله، که مهم ترین اثر وی *کتاب العباسی* است. به گفته نجاشی این کتاب در اخبار خلفا و دولت عباسی است که در آن اخبار امین عباسی را دیده است. همان، ص ۹۷.

۹. در زمینه تک نگاری آثار زیادی از نویسندگان برجسته شیعه وجود دارد، از جمله این افراد می توان به عبیدالله بن ابی رافع اشاره نمود که آثاری چون *الجمال*، *صفین* و *نهروان* را تألیف نموده است. شیخ طوسی، *الفهرست*، به کوشش محمود رامیار (مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۵۱) ص ۱۵۷.
۱۰. در زمینه نگارش مقتل به نویسندگان و آثار آنان اشاره می شود و نیز در زمینه نگارش حروب می توان به عبیدالله بن ابی رافع اشاره کرد که کتابی با عنوان *تسمیه من شهید مع امیرالمؤمنین* دارد. وی از کاتبان امیرالمؤمنین بوده است. همان، ص ۱۵۷.
۱۱. در زمینه نگارش تاریخ عمومی به آثار با ارزشی از نویسندگانی چون یعقوبی می توان اشاره کرد.
۱۲. رسول جعفریان، *سیره رسول خدا* (قم، انتشارات دلیل ما، چاپ اول، ۱۳۸۰) ج ۱، ص ۲۵.
۱۳. در این زمینه با مراجعه به کتاب های *رجال نجاشی* و *فهرست شیخ طوسی* و دیگر آثار شیعی به خوبی می توان این نویسندگان را با عناوین آثار علمی آنها رصد کرد؛ برای نمونه در زمینه تک نگاری آثار زیادی از نویسندگان برجسته شیعه وجود دارد؛ از جمله این افراد می توان به عبیدالله بن ابی رافع اشاره نمود که آثاری چون *الجمال*، *صفین* و *نهروان* را تألیف نموده است. ر. ک: شیخ طوسی، *پیشین*، ص ۱۵۷. همچنین محمد بن زکریا بن دینار دارای آثاری چون *الجمال*، *وقعة صفین* و اخبار زید بن علی است. ر. ک: نجاشی، *پیشین*، ص ۳۴۶.
۱۴. همان، ص ۸، و ر. ک: شیخ طوسی، *پیشین*، ص ۶۲ و ۶۳.
۱۵. آقا بزرگ طهرانی، *پیشین*، ج ۲۲، ص ۲۳ و ج ۲۲، ص ۲۳.
۱۶. همان، ج ۲۲، ص ۲۴.
۱۷. شیخ طوسی، *الفهرست*، *پیشین*، ص ۶۲-۶۳.
۱۸. شیخ صدوق، *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، تحقیق سید محمد مهدی (قم، انتشارات شریف رضی، ۱۳۶۸) ص ۲۱۹.

۱۹. استاد یوسفی غروی می‌فرماید: وقتی به کتاب‌های فهرس مراجعه می‌کنیم در زمینه معرفی مقتل‌نگاران می‌بینیم که به عنوان اولین نوشته سخن از *مقتل‌الحسین* از اصبع بن نباته است. این اثر صورت خارجی ندارد. احیاناً تکه خبری منسوب به اصبع بن نباته یا احیاناً قاسم بن اصبع نباته در لابه‌لای کتاب‌هایی که الآن در دست ماست به دست می‌آید و نه بیشتر، و بالأخره چیزی که بشود شناخت و معرفی کرد که مصداق این سخن باشد در دست نیست. (سایت اینترنتی مدرسه امام خمینی، «همایش سیر مقتل‌نگاری سالار شهیدان و بررسی اعتبار مقاتل»، با همکاری مرکز پژوهش مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی، تاریخ ۱۳/۱۲/۱۳۸۳).
۲۰. محمدبن جریر طبری، *تاریخ الامم و الملوک*، (بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، [بی‌تا]) ج ۴، ص ۳۴۳: «قال هشام عن أبيه محمد بن السائب عن القاسم بن اصبع بن نباته قال حدثني من شهد الحسين في عسكرة...». «قال... القاسم بن اصبع لقد رأی تني فيمن يروح عنه...».
۲۱. ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل‌الطالبیین*، (قم، مؤسسه دارالکتاب، ۱۳۸۵ق) ص ۷۸: «قال المدائنی عن هارون بن سعد عن القاسم بن الاصبع بن نباته قال...».
۲۲. شیخ صدوق، *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، پیشین، ص ۲۱۸.
۲۳. سبط ابن جوزی، *تذکره الخواص من الامه بذکر خصائص الائمة*، تحقیق حسین تقی‌زاده (بی‌جا، مرکز الطباعة و النشر للمجمع العالمی لاهل البيت، ۱۴۲۶ق) ج ۲، ص ۲۵۲ و ۲۵۳: «حکى هشام بن محمد عن القاسم بن اصبع المجاشعی، قال...».
۲۴. نجاشی، پیشین، ص ۸.
۲۵. آقا بزرگ طهرانی، پیشین، ج ۲۲، ص ۲۳.
۲۶. شیخ طوسی، *رجال طوسی*، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، (قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۵ق) ص ۱۲۹ و ۱۷۶.
۲۷. نجاشی، پیشین، ص ۱۲۹.
۲۸. شیخ مفید، *الاختصاص*، تحقیق علی اکبر غفاری (قم، جامعه مدرسین، [بی‌تا]) ص ۶۷.

۲۹. نجاشی، پیشین، ص ۱۲۸ و ۱۲۹.
۳۰. الذهبی، *میزان الاعتدال*، تحقیق علی محمد البجاوی (بیروت، دار المعرفه، چاپ اول، ۱۳۸۲ق) ج ۱، ص ۳۷۹ و ۳۸۳. ذهبی اقوال مختلفی را درباره ثقه یا ضعیف بودن وی نیز نقل کرده است.
۳۱. شیخ طوسی، *اختیار معرفة الرجال*، تحقیق میرداماد (قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۴ق) ج ۲، ص ۴۳۶.
۳۲. نجاشی، پیشین، ص ۱۲۹؛ آقا بزرگ طهرانی، پیشین، ج ۲۲، ص ۲۴.
۳۳. ابن الندیم، *الفهرست*، ترجمه و تحقیق محمدرضا تجدد (تهران، نشر امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۶) ص ۲۷۵.
۳۴. فؤاد سزگین، *تاریخ نگارش های عربی*، ترجمه مهران ارزنده (تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰) ص ۴۳۷، به نقل از: *امپراطوری عرب و سقوط آن* (برلین: ۱۹۰۲م).
۳۵. نجاشی، پیشین، ص ۸۷۵.
۳۶. شیخ طوسی، *الفهرست*، پیشین، ص ۲۶۱.
۳۷. محمد تقی تستری، *قاموس الرجال* (قم، تحقیق و نشر مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۷ق) ج ۸، ص ۶۱۷.
۳۸. محمد هادی یوسفی غروی، *وقعة الطف لابی مخنف* (قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۷)، ص ۱۹.
۳۹. محمد تقی تستری، پیشین، ص ۶۱۹، ر. ک: محمد بن اسحاق الندیم، پیشین، ص ۱۵۷، ذیل نام ابی مخنف.
۴۰. نجاشی، پیشین، ص ۸۷۵؛ شیخ طوسی، *الفهرست*، پیشین، ص ۲۶۱.
۴۱. آقا بزرگ طهرانی، پیشین، ج ۲۲ ص ۲۷؛ محمد بن اسحاق الندیم، پیشین، ص ۱۵۷.
۴۲. سید صادق سجادی، *تاریخ نگاری در اسلام* (تهران، انتشارات سمت، چاپ پنجم، ۱۳۸۲) ص ۱۱۳.

۴۳. بیشتر روایات طبری از ابو مخنف به تحریر هشام بن محمد کلبی به شیوه «و جاده» است. «قال هشام قال ابو مخنف»، اما این که طبری می گوید: حدثنا هشام بن محمد عن ابو مخنف و این که او معمولاً برای نقل قول از کتابی معین چنین می‌کند صحت ندارد. این احتمالاً تصحیف «حدثنا» یا بهتر بگوییم «حدثت عن» است. چنان که سایر روایات پیشین آن را تأیید می‌کند. فواد سزگین، پیشین، ص ۴۳۷.

۴۴. محمد تقی تستری، پیشین، ص ۶۲۰.

۴۵. این کتاب در سال ۱۳۹۸ ه ق، به کوشش حسن غفاری در قم به چاپ رسید و در سال ۱۳۶۸ ه. ش. با تحقیق و مقدمه استاد یوسفی غروی به نام *وقعة الطف لأبی مخنف* منتشر گردید.

۴۶. محمد بن اسحاق الندیم، پیشین، ص ۱۶۱.

۴۷. نجاشی، پیشین، ص ۴۳۴ و ۴۳۵.

۴۸. محمد بن جریر طبری، *تاریخ الامم و الملوک* (بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، [بی تا] ج ۴، ص ۳۴۳: «قال هشام عن أبیه محمد بن السائب عن القاسم بن اصبع بن نباته قال حدثنی من شهد الحسین فی عسکره. . .» و «قال. . . القاسم بن اصبع لقد رأی تنی فیمن یروح عنه. . .».

۴۹. نجاشی، پیشین، ص ۴۳۵؛ آقا بزرگ طهرانی، پیشین، ج ۲۲، ص ۳۱ و ۳۲.

۵۰. نجاشی، پیشین، ص ۴۲۸.

۵۱. ابن ابی الحدید، *شرح نهج البلاغه*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم (دار احیاء الکتب العربیه، [بی تا] ج ۱، ص ۱۴۷).

۵۲. الذهبی، *میزان الاعتدال*، پیشین، ج ۴، ص ۲۵۳. و ر. ک: ابن حجر عسقلانی، *لسان*

المیزان (بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، [بی تا] ج ۶، ص ۱۵۷).

۵۳. نجاشی، پیشین، ص ۴۲۸؛ آقا بزرگ طهرانی، پیشین، ج ۲۲، ص ۲۹؛ ابن ندیم، پیشین،

ص ۱۵۸؛ شیخ طوسی، *الفهرست*، پیشین، ص ۳۴۷.

۵۴. نجاشی، پیشین، ص ۱۹؛ شیخ طوسی، الفہرست، پیشین، ص ۱۰؛ آقا بزرگ طهرانی، پیشین، ج ۲۲، ص ۲۳.
۵۵. این اثر اکنون موجود نیست.
۵۶. عبدالله مامقانی، تنقیح المقال (قم، نشر آل البيت، چاپ اول، ۱۴۲۳ق) ج ۳، ص ۲۸۴ به بعد.
۵۷. نجاشی، پیشین، ص ۱۹؛ شیخ طوسی، الفہرست، پیشین، ص ۱۰؛ عبدالله مامقانی، پیشین، ج ۱، ص ۱۳، سید محسن امین، اعیان الشیعہ (بیروت، دارالتعارف، [بی تا]) ج ۲، ص ۱۱۱.
۵۸. رحیم ابوالحسنی، عالمان شیعہ (قم، نشر شیعہ شناسی، چاپ اول، ۱۳۸۴) ص ۲۷ و ۲۸؛ عبدالله مامقانی، پیشین، ج ۳، ص ۲۸۴ به بعد.
۵۹. رجال شیخ طوسی، شیخ طوسی (تحقیق: جواد قیومی اصفہانی، قم، جامعہ مدرسین، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق) ص ۳۸۳.
۶۰. رجال نجاشی، ص ۱۹.
۶۱. نجاشی، پیشین، ص ۱۸۷؛ شیخ طوسی، الفہرست، پیشین، ص ۱۵۸.
۶۲. شیخ طوسی، الفہرست، پیشین، ص ۷۹؛ آقا بزرگ طهرانی، پیشین، ج ۲۲، ص ۲۵.
۶۳. نجاشی، پیشین، ص ۱۷؛ شیخ طوسی، الفہرست، پیشین، ص ۱۶ و ۱۷؛ آقا بزرگ طهرانی، پیشین، ج ۲۲، ص ۲۳.
۶۴. رحیم ابوالحسنی، عالمان شیعہ (قم، نشر شیعہ شناسی، ۱۳۸۴) ص ۳۳.
۶۵. نجاشی، پیشین، ص ۱۷؛ شیخ طوسی، الفہرست، پیشین، ص ۳۷؛ آقا بزرگ طهرانی، پیشین ج ۲۲، ص ۲۳. کتاب مقتل الحسین وی اکنون موجود نمی باشد.
۶۶. رجال نجاشی، ص ۱۸.
۶۷. نجاشی، پیشین، ص ۳۴۷ و ۳۴۸.
۶۸. نجاشی. پیشین، ص ۳۴۷ و ۳۴۸؛ آقا بزرگ طهرانی، پیشین، ج ۲۱، ص ۳۷۷.
۶۹. آقا بزرگ طهرانی، پیشین، ج ۲۲، ص ۲۳. به نظر می رسد کہ یعقوبی و اجداد او نیز از

شیعیان بودند. دلیل بر این مدعا این است، هنگامی که جد اعلای او، یعنی «واضح» از طرف هادی عباسی عامل برید مصر بود، ادریس بن عبدالله بن حسن را که از واقعه فسخ جان به در برده و به مصر فرار کرده بود، به سرزمین مغرب فرستاد و به این سبب هادی عباسی او را به جرم خیانت به قتل رساند.

۷۰. ابن واضح، یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی (تهران، علمی فرهنگی،

۱۳۷۱) ج ۱، ص ۵۰۲ - ۵۰۸.

۷۱. آقا بزرگ طهرانی، پیشین، ج ۲۲، ص ۲۳.

۷۲. رک: یعقوبی، پیشین، ج ۲.

۷۳. نجاشی، پیشین، ص ۳۴۶.

۷۴. محمد بن اسحاق الندیم، الفهرست، پیشین، ص ۱۲۱؛ و نجاشی، پیشین، ص ۳۴۶.

۷۵. نجاشی، پیشین، ص ۳۴۶؛ و محمد بن اسحاق الندیم، پیشین، ص ۱۲۱؛ و آقا بزرگ

طهرانی، پیشین، ج ۲۲، ص ۲۸ و ۳۱.

۷۶. نجاشی، پیشین، ص ۳۴۸؛ شیخ طوسی، الفهرست، پیشین، ص ۲۷۳ و ۲۷۴.

۷۷. محمد بن اسحاق الندیم، پیشین، ص ۴۰۶.

۷۸. نجاشی، پیشین، ص ۳۴۸؛ شیخ طوسی، الفهرست، پیشین، ص ۲۷۳ و ۲۷۴؛ آقا بزرگ

طهرانی، پیشین، ج ۲۲، ص ۲۷.

۷۹. نجاشی، پیشین، ص ۲۴۰ - ۲۴۴.

۸۰. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۱۹۱.

۸۱. نجاشی، پیشین، ص ۲۴۰.

۸۲. نجاشی، پیشین، ص ۳۵۳.

۸۳. محمد بن اسحاق الندیم، پیشین، ص ۲۳۴.

۸۴. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۳۷۹.

۸۵. آقا بزرگ طهرانی، پیشین، ج ۲۱، ص ۳۷۶؛ شیخ طوسی، الفهرست، ص ۳۷۹.

۸۶. شیخ صدوق، *امالی* (بیروت، چاپ پنجم، ۱۴۰۰ق) ص ۱۵۰.
۸۷. آقا بزرگ طهرانی، *پیشین*، ج ۲۲ ص ۲۵. این اثر نیز اکنون موجود نیست، بلکه روایات آن چنان که اشاره شد در برخی منابع موجود است.
۸۸. نجاشی، *پیشین*، ص ۳۸۵؛ آقا بزرگ طهرانی، *پیشین*، ج ۲۲، ص ۲۸. کتاب *مقتل الحسین* وی موجود نیست.
۸۹. شیخ طوسی، *الاستبصار* (بیروت، دارالاضواء، چاپ سوم، ۱۴۰۶ق) ج ۴، ص ۳۱۸.
۹۰. نجاشی، *پیشین*، ص ۳۸۹ و ۳۹۲.
۹۱. آقا بزرگ طهرانی، *پیشین*، ج ۲۲، ص ۲۸.
۹۲. شیخ صدوق، *من لا یحضره الفقیه*، تصحیح علی اکبر غفاری (قم، جامعه مدرسین، [بی تا]) ج ۲، ص ۵۹۸. در این پژوهش بنا بر گفته محقق آن به تأسی از شیخ صدوق، عناوین فصول و ابواب و احادیث را از متن اخبار و روایات برگزیده است. در این متون احادیث خود یکدیگر را توضیح و تفسیر می کنند. این محقق تلاش نموده تا بیشتر اطلاعات این کتاب را از آثار شیخ صدوق استخراج نماید و در موارد اندکی روایاتی را به رابطه دیگر دانشوران شناخته شده شیعه همچون شیخ طوسی و شیخ مفید که از صدوق نقل کرده اند استناد دهد.
۹۳. ابن شهر آشوب، *مناقب آل ابی طالب*، تحقیق یوسف بقاعی (قم، انتشارات ذوالقربی، ۱۳۷۹ش) ج ۴، ص ۶۴ و ۹۵.
۹۴. نجاشی، *پیشین*، ص ۴۰۳.
۹۵. شیخ طوسی، *الفهرست*، ص ۲۸۷ و ۲۸۸؛ و آقا بزرگ طهرانی، *پیشین*، ج ۲۲، ص ۲۷.
۹۶. شیخ طوسی، *الفهرست*، ص ۱۳ و نجاشی، *پیشین*، ص ۱۸.
۹۷. عبدالله مامقانی، *پیشین*، ج ۱۲، ص ۳۴ - ۵۱.
۹۸. ابن حجر عسقلانی، *پیشین*، ج ۱، ص ۶۶.
۹۹. نجاشی، *پیشین*، ص ۱۸ و آقا بزرگ طهرانی، *پیشین*، ج ۲۲، ص ۲۹.

فهرست منابع

- قرآن.

- نهج البلاغه، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران، چاپ سوم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.

- آقا بزرگ طهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت، چاپ دوم، دارالاضواء، [بی تا].

- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء الکتب

العربیة، [بی تا].

- ابن الندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، ترجمه و تحقیق محمدرضا تجدد، تهران، چاپ سوم،

نشر امیرکبیر، ۱۳۶۶.

- شیخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، قم،

مرکز انتشارات اسلامی، [بی تا].

- ابن حجر عسقلانی، شهاب الدین ابی الفضل احمد بن علی، لسان المیزان، بیروت، مؤسسه

الاعلمی للمطبوعات، [بی تا].

- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، تحقیق یوسف بقاعی، قم، انتشارات ذوی القربی،

۱۳۷۹ ش.

- ابن قتیبة الدینوری، ابی محمد عبدالله بن مسلم، المعارف، بیروت، دارالکتب العلمیه -

منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۴ ق.

- ابوالحسنی، رحیم، عالمان شیعه، قم، نشر شیعه شناسی، ۱۳۸۴.

- ابو الفرج اصفهانی، علی بن حسین، الاغانی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، [بی تا].

- _____، *مقاتل الطالبیین*، قم، مؤسسه دارالکتاب، ۱۳۸۵ق.
- امین، سید محسن، *اعیان الشیعه*، بیروت، دارالتعارف، [بی تا].
- تستری، محمد تقی، *قاموس الرجال*، قم، نشر مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۷ق.
- جعفریان، رسول، *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه*، قم، نشر انصاریان، ۱۳۸۱.
- _____، *سیره رسول خدا*، قم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۰.
- خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، بیروت، دارالکتب العربی، [بی تا].
- الذهبی، *میزان الاعتدال*، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۸۲ق.
- سبط ابن جوزی، یوسف بن قزعلی بغدادی، *تذکره الخواص من الأئمه بذكر خصائص الأئمه*، تحقیق حسین تقی زاده، بی جا، مرکز الطباعة و النشر للمجمع العالمی لاهل البيت، ۱۴۲۶ق.
- سجادی، سید صادق، *تاریخ نگاری در اسلام*، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۲.
- شیخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، مرکز انتشارات اسلامی، [بی تا].
- _____، *مقتل الحسین*، تحقیق و جمع آوری، محمدصحتی سردرودی، قم، نشر هستی، ۱۳۸۱.
- _____، *امالی*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۰ق.
- _____، *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، تحقیق سید محمد مهدی، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۳۶۸.
- شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، *الاستبصار*، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۶ق.
- _____، *رجال طوسی*، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۵ق.
- _____، *الفهرست*، به کوشش محمود رامیار، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۵۱.

- _____، *اختیار معرفة الرجال*، تحقیق میرداماد، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۴ق.
- شیخ مفید، *الاختصاص*، (منسوب به شیخ مفید)، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ص ۱۳۶۷.
- طبری، محمدبن جریر، *تاریخ الامم و الملوک*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، [بی تا].
- فؤاد سزگین، *تاریخ نگارش های عربی*، ترجمه مهراں ارزنده، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- مامقانی، عبدالله، *تنقیح المقال*، قم، نشر آل‌البیت، ۱۴۲۳ق.
- مدرسی طباطبایی، سید حسین، *میراث مکتوب شیعه*، ترجمه علی‌قزائی و رسول جعفریان، قم، اعتماد، ۱۳۸۶.
- نجاشی، ابو‌العباس احمدبن علی، *رجال نجاشی*، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۶ق.
- یوسفی غروی، محمد هادی، *وقعة الطف لابی مخنف*، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۷.